

از مولانا تا

نیچہ

دکتر سید حسن اخلاق

سرشناسه : اخلاق، حسن، ۱۳۵۰-
 عنوان و نام پدید آور : از مولانا تا نیچه/حسن اخلاق
 مشخصات نشر : قم، سلوک جوان، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص.
 شابک : ۹۶۴-۹۹۵۸-۰۱۰۰-۱۷۵۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی : قیفا
 یادداشت : کتابخانه : ص ۱۷۲-۱۷۸؛ همچنین به صورت ژورنالیست
 موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۳ق. -- حقوق بشر
 موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۳ق. -- نقد و تفسیر
 موضوع : نیچه، فردریش ویلهلم، ۱۸۴۴-۱۹۰۰م. -- نقد و تفسیر
 موضوع : هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶م. -- نقد و تفسیر
 موضوع : فلسفه تطبیقی
 موضوع : حقوق بشر در ادبیات
 رده بندی کنگره : PIR۳۰۹۷/ح ۳
 رده بندی دیویی : ۸ / ۱ / ۳۱
 شماره کاتالوگ ملی : ۱۰۵۸۳۸



قم/ص پ: ۳۷۱۸۵-۳۱۸۶
 تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۰۵۳۲۲
 همراه: ۰۹۱۳۵۵۱۱۰۳

نام کتاب : از مولانا تا نیچه
 مؤلف : دکتر سید حسن اخلاق
 ناشر : سلوک جوان
 چاپخانه : گلبرگ
 نوبت چاپ : اول / تابستان ۱۳۸۶
 شمارگان : ۱۵۰۰ نسخه
 صفحه‌آرایی : خدمات کامپیوتری احسان
 قیمت : ۱۷۵۰۰ ریال
 شابک : ۹۶۴-۹۹۵۸-۰۱۰۰

مرکز پخش: (۱) خدمات کامپیوتری احسان - ۷۳۳۳۴۷۰
 (۲) مشهد مقدس، چهار راه شهدا انتشارات هاتف، ۲۳۵۵۶۰۰ - ۲۲۵۳۹۲۸ - ۰۵۱۱-۲۲۵۳۹۲۸
 حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

- پیشگفتار..... ۱۱
- فصل اول:**
۱. درآمد..... ۱۷
۲. چیستی جهان جدید..... ۱۸
۳. پیامدهای معرفت انگارانه جهان جدید..... ۲۰
۴. مولانا وارکان مدرنیته..... ۲۱
- ۱-۳. مولانا و محوریت انسان در هستی..... ۲۱
- ۲-۳. مولانا و نگاهی تغییر پذیر به دین..... ۲۳
- ۳-۳. مولانا و عقلانیت..... ۲۴
- ۴-۳. مولانا و ترقی دنیایی..... ۲۵
- ۱-۴-۳. رفع توهم فاصله میان خدا و انسان..... ۲۶
- ۲-۴-۳. رفع توهم فاصله بین دنیا و آخرت..... ۲۶
- ۳-۴-۳. حقیقت صرفاً عقلانی نیست..... ۲۷
- ۴-۴-۳. ضرورت اجتناب از قشرگرایی..... ۲۷
۵. ما و مولانا..... ۲۸

فصل سوم:

انسانها؛ تفاوت‌های اساسی با حقوق مشترک، از منظر مولانا و نیچه

۶۳ ۱. در آمد

۶۴ ۲. ویژگی‌های مشترک و بنیادین مولانا و نیچه

۶۵ ۱-۲. بت شکنی

۶۶ ۲-۲. آموزه‌های متناقض نما

۷۰ ۲-۳. بر انگیزختاری

۷۳ ۲-۴. تقابلی

۷۵ ۳. به سوی کرامت بشر و فردیت هر انسان

۷۶ ۳-۱. کرامت بشر

۷۶ ۳-۲. فردیت هر انسان

۷۷ ۴. تمایز جهت تغییر درونی، نه تنوع حقوقی

۸۲ ۵. تمایز و خوارداشت از روی عشق

۸۳ ۶. دواصل: "تعاقب" و "بازگشت جاویدان همان"

۸۵ ۷. اصل عدم تضاد

۸۶ ۸. سخن آخر

فصل چهارم:

سهروردی شهید، نیچه مجنون و روزگار ما

۹۳ درآمد

۹۵ ۱- عقل در فلسفه

۹۹ ۲- رد دوئالیسم و توجه به زرتشت

۱۰۲ ۳- زمانی آنسوتر از پیشرفت

۱۰۵ ۴- دعوت به بازگشت به خویش

۱۰۷ ۵- تشکیک در انسانیت

۱۰۹ سخن پایانی

فصل دوم:

مولانا و بسترهای شکوفایی حقوق بشر

۳۵ ۱. درآمد

۳۶ ۲. مؤلفه‌های تشکیل دهنده دنیای جدید

۳۶ ۱-۲. رنسانس

۳۷ ۲-۲. رفورماسیون

۳۷ ۳-۳. روشن اندیشی

۳۷ ۲-۴. انقلاب صنعتی

۳۸ ۲-۵. مؤلفه‌های مدرنیته و حقوق بشر

۴۰ ۲-۵-۱. ویژگی‌های این حقوق

۴۰ ۳. اعتبار پایه‌های جهان نو در اندیشه مولانا

۴۰ ۳-۱. مولانا و انسان گرایی

۴۱ ۳-۲. مولانا و جوهر نگرى دینی

۴۲ ۳-۳. مولانا و عقلانیت

۴۴ ۳-۴. مولانا و پیشرفت

۴۵ ۴. تأملی در تعارض حقوق بشر با ظواهر دینی

۴۶ ۵. راهی برای حل تعارضات

۴۶ ۵-۱. رفع توهم فاصله میان خدا و انسان

۴۷ ۵-۲. عدم فاصله بین دنیا و آخرت

۴۸ ۵-۳. عدم انحصار حقیقت در دید ما

۴۹ ۵-۴. تساوی زن و مرد

۵۰ ۶. گامی بنیانی تر برای رفع تعارضات

۵۰ ۶-۱. تعارض شریعت با حقیقت

۵۲ ۶-۲. عرفان و حقوق بشر

۵۵ ۶-۳. جاودانگی و فراگیری دین و حقوق بشر

۵۶ ۶-۴. احترام به قوانین ادیان

۵۷ ۷. خلاصه و نتیجه

فصل پنجم:

کانت از نظر تانچه

۱ - اهمیت نگاه تانچه به کانت..... ۱۱۳

۲ - اندک همراهیهای تانچه با کانت..... ۱۱۴

۳ - کانت و فلسفه..... ۱۱۶

۴ - نقد عقل محض کانت..... ۱۱۷

۱-۳. تناقض معرفت شناسی..... ۱۱۷

۲-۴. جعل احکام ترکیبی پیشین..... ۱۱۸

۳-۴. افسانه نومن و فنومن..... ۱۱۸

۴-۴. بی بنیادی علم..... ۱۱۹

۴-۵. طبقه بندی نامناسب مقولات..... ۱۲۰

۴-۶. تقابل ایمان و معرفت..... ۱۲۰

۵ - نقد عقل عملی کانت..... ۱۲۰

۱-۵. ناپیدایی عمل بی نظر..... ۱۲۰

۲-۵. برده واری در امر مطلق..... ۱۲۱

۶ - نقد قوه داوری کانت..... ۱۲۲

۷ - نقد کانت و مدرنیته..... ۱۲۳

۸ - کانت و نیهیلیسم..... ۱۲۷

۹ - پایان سخن..... ۱۲۹

فصل ششم:

دوران معاصر در اندیشه تانچه و هایدگر

درآمد..... ۱۳۳

۱- تانچه، پیام آور دیونوسوسی..... ۱۳۳

۲- هایدگر، دعوت به نبوشیدن آوای هستی..... ۱۳۶

۳- دوران نیهیلیسم تکنولوژیک..... ۱۴۰

فهرست مطالب / ۹

۴- ما و دوران معاصر..... ۱۴۷

۱-۴. چستی غرب..... ۱۴۸

۲-۴. دو نکته قابل توجه..... ۱۵۲

فصل هفتم:

با هایدگر؛ جستجوی راهی برای خود، در نسبت بین علم،

تکنولوژی و دین

۱- در آمد..... ۱۵۹

۲- وجود و اطوار آن..... ۱۵۹

۳- نسبت انسان با وجود..... ۱۶۰

۴- خدا و دین..... ۱۶۲

۵- بنیاد علم و تکنیک مدرن..... ۱۶۴

۶- راه ما..... ۱۶۸

۱-۶- مواجهه ای دیگر با وجود..... ۱۶۸

۲-۶- مواجهه ای تازه با انسان..... ۱۶۹

۳-۶- آغاز از علم موجود..... ۱۶۹

۴-۶- استفاده از تاریخ..... ۱۷۰

۵-۶- نگاهی دیگر به زبان..... ۱۷۱

۷- نتیجه گیری..... ۱۷۱

منابع و مأخذ..... ۱۷۵

پیشگفتار:

تفکر بر دو گونه است: گاهی پاره های جان آدمی اند که به رقص آمده اند و گاه نمایشی است از حرکات نظام مند ذهن به سوی مقصود. شاید بتوان در معیت ابن سینا و ابن رشد و دکارت و هگل به صورت دوم، به اندیشیدن پرداخت (که همین هم جای شک جدی دارد) ولی به یقین نمی توان با رواقیون و کلیبیون و اپیکوریان و شیخ اشراق و کسی پرگارد و سارتر بدان صورت، راهپیمایی نمود.

مولانا و نیچه تفکر آتی از سنخ نخست دارند آنان دو متفکر ممتازند و سنخ ممتازی از متفکران را نمونه متفکرانی اند که اندیشیدن بهم ذوب شدن جانشان است و هم در همان حال، پرواز کردن جانشان.

چنین نوع اندیشیدنی، شرق و غرب نمی شناسد، چنان که قدیم و جدید نیز نمی شناسد...

در مجموعه فرارو، نویسنده، خواسته تا در پی مولانا و نیچه به طلب بر آید بدون آنکه آنان را تقلید کند. زیرا به خوبی می داند که نه تنها آنان از مقلد پروری بیزارند، که تفکر با تقلید سرسازگاری ندارد اما او چون نه روح مولانا را دارد و نه جان نیچه را، پس می تواند عنبر آورد اگر در بند زمان یا مکان مانده است: گاهی از مدرنیته سخن گفته و گاهی از پیشا مدرنیته و پسا مدرنیته و مدرنیزاسیون، گاهی از شرق سخن رانده و گاهی از

همه این مجموعه را با هم پیوند می دهد دغدغه های فکری واحد و بی چوبهای مستمر نگارنده است؛ در تمام این مقالات، اندیشه ورزی جوان، به دنبال خوانش هستی و چیستی جهان امروز، مولفه های اصلی تشکیل دهنده آن و نسبت جانهای شرقی/مسلمان/حیران با آن است.

به مناسبت مخاطبین خاص، موضوعاتی ویژه، برجسته شده اند ولی "از مولانا تا نیچه"، هر چند به سرعت و حیرت، نسبت جان آدمی با جهان امروز را می کاود. در این راه از همزبانی و همدلی با بزرگترین اندیشه ورزان بشری بهره می برد واز انکاسیونگرش هریک از آنان در تفکر دیگری، و طرح گفتن در میان آنان به جستجوی راهی برای خویش برمی آید، نویسنده به تکرار اندیشه های موجود علاقمند نیست و می کوشد به فراخور توان خویش نشان دهد که می توان طوری دیگر هم دید، اگر این سوسوها بتوانند در انس بخشیدن ما با نور تفکر، مفید واقع گردند، نویسنده خود را موفق می بیند.

غرب و غرب شناسی، اما خواهید دید که همه این سخنان پراکنده و تاملات نا بسامان، تنها گامهایی اند در پیاپی طلب. که به قول علامه اقبال لاهوری:

در بیان طلب پیوسته می کوشیم ما
موج بحیرم و شکست خویش بردوشیم ما

تفکر، همواره در راه بودن است؛ بنافا این مطالب نیز بیش از نمایاندن راهی نهایی، به دنبال پیمایش راههایی تازه و تحصیل تجربه هایی نو است؛ این تجربه ها به آسانی به دست نمی آیند، بیشتر می توان در وصفشان بچنان هموطن نامدارمان گفت:

آنسی که اندر جان ما فتاد
مگر چه مار سوخت اما زنده باد

زنده باد آنش رسوای ما
آنش بپوینده در گهای ما

این تاملات، شاید در مقوله بندیه های خشک و جزمی فلسفه، عرفان و دین نگنجد، اما بدون شک از هریک از این زمینه ها بهره ورند و شایسته نام اندیشمندان می باشند، اندیشه ای که از درد و دغدغه حکایت دارد و راه طلب درمان در پیش.

در روزگاری که برق چشمان ما جهان سومی ها را - در ادامه پس ماندگی در مواجهه درست با جهان امروز - همچنان ادعاهای افسونگر نگاه پوزیتیویستی، زیاده و تلخی دو "نه" سخت سهمگین - "نه" حالی که داشتیم و "نه" حالی که باید داشته باشیم - بر مذاق جانمان سنگینی می کند، کمتر می توان انتظار یاوران همدل و همراه داشت؛ تفکر همواره خطرناک است و در این مجال بسیار خطرناکتر.

با اینهمه پذیرش شکست، همانند کبر فروختن، با تفکر بیگانه است؛ اگر نمی توان پاسخهایی پایدار داد می توان پرسشهایی استوار، مطرح ساخت. اگر اتوبان چندپایه عریض، فرار و پیمان گسترده نیست، راههای خاکی هم، بسته نیستند. آری اگر نمی توان، خورشید را دید، شمع ها به مقدار خویش راهگشایند؛ تفکر، همزاد فروتنی است و متفکران، در پی دیدار صاحبان سایه و بلکه سر بر آوردن از غار؛ آیا انس به تماشای خورشید، بدون تمرین چشم گشودن بر نور شمع و روشن امکانپذیر است؟

تاملات جمع شده در این دفتر، علیرغم غربت تفکر و غربت سخن، در جای جای مورد استقبال قرار گرفته اند، که به هریک، در ذیل همان مقاله اشاره می رود. آنچه